

بدعت در دیپلماسی
زهرا کبیری
کارشناسی علوم سیاسی

تاریخچه انجام مذاکرات با کشورهای مختلف در بعد از انقلاب اسلامی ایران دارای تنوع و تعدد فراوانی است. لیکن به راحتی می توان گفت با اهمیت ترین آنها مذاکره ای است که یک طرف یا یکی از طرفها آمریکا بوده. اهمیت این مذاکرات از چند بُعد قابل ارزیابی می باشد. اول اینکه آمریکا خود را بزرگترین دولت دنیا از نظر اقتصادی و سیاسی و نظامی می داند و در مذاکره با کشورهای دیگر آنان را مستعمره یا شبه مستعمره می پندارد و مذاکره با کسانی که دارای خوی استکباری می باشند به مراتب پیچیده تر است دوم به علت دشمنی دیرینه و اقدامات خصمانه کاملاً آشکار و واضح از قبیل تحریم اقتصادی در انواع و اقسام شاخه های آن اعم از نفتی و بانکی و غیره و حتی دارویی و تحریک سایر کشورها بر علیه ایران که حتی راه انداختن جنگ تحمیلی هشت ساله را به آمریکا منتسب می داند و در نهایت چالش جهان بینی و ایدئولوژیک آمریکا با ایران مذاکره با چنین دشمنی صعوبت خاصی دارد. سوم به تجربه ثابت شده که سیاستمداران آن مکر و خدعه زیادی به کار می برند. چهارم اینکه روش گفتگوی آنان شیوه عادلانه تفاهم و منطقی نیست و گرفتن امتیاز و ندادن هرگونه امتیاز و سعی در تحمیل خواسته های نابجای خود از خصوصیات آنها است. پنجم بدعهدی با مفهوم نقض و زیرپا گذاشتن پیمانهایی که به

آن متعهد می شود به شکل خارج شدن یکطرفه از آن و بقول عامیانه زیر توافق زدن که به اشکال گوناگون بوده اند مانند توافق نامه بین المللی، آب و هوایی و تعداد زیادی دیگر که از شمار خارج شده و نمونه بارز آن برای کشور ما برجام می باشد. علاوه بر این تمام موارد بستن تعرفه های تجاری و صادرات و واردت با کشورهای دیگر که نقض فاحش قوانین تجارت جهانی می باشد در بُعد سیاسی از بارزترین آنها بلاهایی که با تزویر و ریا بر سر کشور لیبی آوردند و شُهره عام و خاص است و شاید بدترین موارد یاد شده مورد پنجم است که به قدری خطرناک می باشد که مقام معظم رهبری بارها عدم اعتماد خود را به حاکمان آمریکا با دلایل کافی برشمرده اند. با این وجود ایران همواره برای اثبات حقانیت و حسن نیت خویش چندین بار و گاهی به مدتهای طولانی وارد عرصه مذاکره شده که آخرین آن در خرداد ماه سال جاری بوده که در اثنای مذاکره و در حال تشکیل کمیسیون های کارشناسی به صورت ناگهانی اقدام به حمله نظامی به ایران نموده و حتی مکان های انرژی هسته ای را بمباران و مرتکب جنایات مسلم جنگی متعدد شده. با یک مرور ساده در ماهیت مذاکره می توان تشخیص داد مذاکره جهت توافق طرفین است که اگر حاصل شد چه بهتر و اگر نشد دو طرف مذاکره را منقضی و هر یک به شیوه های خود وضعیت متناسب را در نظر می گیرند لیکن در مورد کشوری که دعوت به مذاکره می کند در حالی که این موضوع را وسیله فریب و تزویر قرار داده و همزمان جنگ

به راه انداخته و باعث شهادت جمع کثیری از انسان های بی گناه و مقامات و خسارات فراوانی می گردد چه قضاوتی باید بشود و چه عکس العملی باید صورت پذیرد و در حالی که این مدل نقض عهد در سطح بین المللی سابقه نداشته تکلیف جامع بین الملل چیست؟ اکنون ما در سطح جهانی با یک پدیده خطرناک روبرو هستیم باید نتیجه گیری کنیم برای مقابله با این موضوع حتماً باید اجماع جهانی ایجاد کرد و اینجاست که نیروها و کارشناسان و خبرگان سیاسی و حقوقی کشور دست به دست هم داده در یک فراخوان جهانی با همکاری اندیشمندان متعهد سایر کشورها با جرم انگاری این گونه حيله گری ها که برخلاف تمامی موازین شناخته شده انسانی و سیاسی و حقوقی است اقدام به تدوین قوانین بازدارنده نموده و حتی قوانین و حقوقی را برای دستگاه قضایی داخلی جهت محاکمه این مجرمین تدوین نمایند و موضوع تا حصول نتیجه نهایی پیگیری تا ریشه این گونه جنایات خشکانده شود.